



رهنمودهای تبلیغی
بر اساس

ویژگیهای نوجوانان



رضا آبیان - گروه کودک و نوجوان

دوست دارند زندگی راحت و بی‌دغدغه‌ای داشته باشند، اطرافیان‌شان را از دست ندهند و بیماری، بلا و... را در خود و آنها نبینند و مواجه شدن با انواع گرفتاریها، سؤالات گوناگونی را در ذهن آنان پدید می‌آورد.

مبلّغ و مربّی باید پیش از پاسخ به سؤالات نوجوان، اساس باورهای او را درباره اصل مسئله دنیا پایه‌ریزی کند. برای تحقّق این مهم به نکات ذیل می‌توان اشاره کرد:

الف. اینکه او بداند، دنیا

امروزه آفت رفاه‌طلبی و مادی‌گرایی، فرهنگ و جامعه اسلامی ما را به سمت فرار از سختیها و عدم صبر در مقابل آنها سوق می‌دهد.

در این میان، نوجوانان که هنوز تفکرات و بینش‌شان نسبت به امور و وقایعی که در اطرافشان می‌گذرد، کامل نشده است، در برابر آفت راحت‌گرایی و رفاه‌طلبی آسیب پذیرتر به نظر می‌رسند.

آنان فلسفه گرفتاریها و حوادث نابهنگام و تلخ را نمی‌دانند و از روی دادن این‌گونه مصائب برای خود و خانواده‌شان می‌ترسند؛ از سوی دیگر،

*. این بحث در دو مرحله ارائه می‌شود.

الف. جداسدن خوب از بد (آزمایش)

قرآن کریم می‌فرماید: «أَحْسِبِ
النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ
لَا يُفْتَنُونَ»^۵ «آیا مردم پنداشتند که تا

منزلگاهی است که در باطن آن، سختی
و بلا موج می‌زند.^۱

ب. از ویژگیهای دنیا این است که
در پس هر نعمتش، مشکل و گرفتاری
کمین کرده است.^۲

ج. نوجوان باید به این مطلب
برسد که نعمت و رحمت خدا تنها در
خوشیها و مسائل سازگار با ذائقه و
خواسته‌های نفسانی او خلاصه
نمی‌شود؛ بلکه مشکلات و رنجها نیز
رحمت و مصلحت خداوند است که
در پاره‌ای موارد، کمال و خوشبختی ما
را فراهم می‌آورد.^۳

لزوم وجود گرفتاریها و مصائب^۴

اینکه اصولاً فلسفه گرفتاریها
چيست و معلول چه علت‌هایی هستند و
چرا خداوند، بلاها و... را آفریده یا
مگر نمی‌شود همیشه راحت بود و
بدون دردسر زندگی کرد، سؤالاتی
است که در پاسخ به آنها مربی باید
عمده‌ترین و در عین حال،
مناسب‌ترین علتها را انتخاب و برای
نوجوان بیان کند.

برخی از دلائل و حکمت‌های
وجود گرفتاریها عبارتند از:

۱. دنیا خانه‌ای است پوشیده از بلاها، به حيله و
نیرنگ شناخته شده، نه حالات آن پایدار و نه
مردم آن در سلامت برخوردارند، دارای تحولات
گونگون و دورانیهای رنگارنگ، زندگی در آن،
نکوهیده و امنیت در آن ناپود است. اهل دنیا
همواره هدف تیرهای بلا هستند که با تیرهایش
آنها را می‌کوبد و با مرگ، آنها را نابود می‌کند.
(نهج البلاغه، خ ۲۲۶، ترجمه دشتی.)

۲. در هر جرعه‌ای (از نعمتها) اندوهی گلوگیر و
در هر لقمه‌ای استخوان شکسته‌ای قرار دارد....
(همان، خ ۱۴۵.)

۳. خداوند به پیامبر خود فرمود: «ای محمد! آن‌گاه که بنده‌ای را محبوب شمارم، وی را با سه
پدیده همراه می‌کنم: دلش را غمگین می‌سازم،
بدنش را بیمار می‌کنم و دستش را از بهره‌های
دنیایی تهی می‌گردانم.» (بحار الانوار، علامه
مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم،
۱۴۰۳ ق، ج ۷۲، ص ۴۸.)

امیر مؤمنان فرمود: «دل انسان خدادوست، رنج و
سختی در راه خدا را بسیار دوست دارد؛ ولی
بسی خبر از خدا راحت طلب است.»
(میزان الحکمه، مسعودی ری شهبوری، قم،
دار الحدیث، هفتم، ۱۳۸۶، ص ۴۴۱، ح ۳۳۱۴.)

۴. سعی شده احادیث، آیات، داستان و... به
تناسب نوجوانان باشد؛ از این رو باید مبلغ،
ادبیات نوجوانان را در استفاده از مواد موجود به
کار ببرد.

۵. عنکبوت/۲.

رتبه‌ای بالاتر است، زندگی، طعم بهتر و رنگ زیباتری به خود می‌گیرد.

عرصهٔ بندگی خداوند نیز همین‌گونه است. آنان که از نوجوانی در میدان پربلای دنیا، پخته شده و فهمیده‌اند که در پس هر سختی، گشایش و راحتی خواهد بود،^۲ هیچ‌گاه در برابر نامالایمات اظهار عجز و ناشکری نمی‌کنند.

پس باید از حالا که زمین وجود نوجوان، آمادهٔ پذیرش هر بذری است، بذر تحمّل آزمایشها و گردن نهادن به اطساعت خدا را در دل او کاشت. همچنین باید روزنه‌های ورود شیاطین مادی را - که آماده‌اند تا زمینه‌های نافرمانی خدا را در دل او ایجاد کنند - بست، تا در ادامهٔ راه بتواند وفادار و خوشبخت باشد و چه زیباست آن‌گاه

گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند؟»

خداوند در ادامهٔ همین آیهٔ شریفه، هدف از آزمایش را جدا کردن راستگویان و دروغگویان در ادای تکلیف الهی می‌داند.^۱

نوجوان مؤمن باید بداند که عامل اصلی ورود به بهشت و رسیدن به کمال، تنها اظهار ایمان به خدا نیست؛ بلکه ناراحتی و رنجی که از سوی خداوند می‌آید نیز برای تکامل و جداسازی بندگان واقعی است. خداوند در قرآن با این تفکر که رمز خوشبختی دنیا و آخرت، تنها در اظهار ایمان است، مخالفت کرده است.^۲

مرتبی در این مرحله باید بکوشد تا مسئلهٔ آزمایش را یک امر طبیعی جلوه دهد، به این بیان که:

همه قبول داریم که اگر بخواهیم از مقطعی به مقطع بالاتر برویم، باید در امتحانی شرکت کنیم، لازمهٔ قبولی در آزمون، تلاش و تحمّل سختیهای گوناگون است. آن‌گاه که بدانیم ثمرهٔ تلاش و شکست‌یابی در برابر محرومیت‌های مختلف، قبولی و کسب

۱. همان.

۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، تهران، دار الکتاب الاسلامیة، جهلم، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۱۰۰، ذیل آیهٔ ۲۱۴ سورهٔ مبارکهٔ بقره.

۳. اشاره به آیات ۵-۸ سورهٔ مبارکهٔ انشراح مناسب است، به ویژه با این زاویه که پس از سختی، آسانی است و پس از فراهم شدن آسانی، چه زیباست که خدا را بندگی کنیم و... .

دستیابی به این سرگرمیها، منشأ واقعی نعمت را فراموش کرده، دنیا زده و زمین گیر شده، در نتیجه از خدا غافل می شوند. یکی از مظاهر دنیا که موجب غفلت انسان می شود، اموال و اولاد اوست که خداوند متعال نسبت به آن هشدار داده و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ ءَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال شما و فرزندانان، شما را از یاد خدا غافل نکند و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارند.»

نکته ای که از آیه می توان استفاده کرد، این است که نوجوان هم باید خود را از اسباب غفلت دور نگه دارد و هم سبب نشود که والدین او از یاد خدا غافل شوند. به بیان دیگر به او پیاموزیم که اگر به دنیا و نعمتهایش طوری بپردازد که یاد خدا در زندگی خانوادگی اش کمرنگ شود، آنگاه او خود، سبب غفلت از خدا می شود و والدین را نیز غافل می کند.

۱. خواجه حافظ شیرازی.

۲. منافقون/۹.

که یک نوجوان، هر چه از خدا می رسد را نیکو بداند.

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم

که در طریقت ما، کافری است، رنجیدن^۱ اکنون که نوجوان فهمید هدف خداوند از فرستادن بلا برای بشر، آزمایش ایشان است، به دنبال راهی می گردد تا بتواند از این امتحانات سربلند بیرون بیاید. راههای مقابله با مشکلات را در بخش سوم همین مقاله بررسی خواهیم کرد.

ب. غافل نشدن از خدا

غفلت را می توان از مهم ترین و تأثیرگذارترین علل پدیدار شدن گرفتاریها قلمداد کرد. پیشرفت و توسعه تکنولوژی از بسترهای مهم غفلت است. کانالهای گوناگون و متنوع تسلویزیونی، ظهور انواع بازیهای رایانه ای، ماهواره، وسایل ارتباطی رایانه ای نظیر چت، وبلاگ و ایمیل، پاساژها، اتومبیلها و... همه می توانند از عوامل غفلت باشند.

انسانهایی که پایه اعتقادی آنها به درستی، شکل نگرفته است، با رسیدن به وسایل مدرن امروزی و

انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده است و کسی منتظر آنها نیست. والدین آنان، نگران‌شان هستند؛ ولی اینها بی‌خیال و بدون توجه به نگرانی آنها، سرگرم بازی هستند.

مَثَل کسانی که علایق دنیوی و مظاهر غلط‌انداز غفلت، آنها را از یاد خدا غافل کرده، مَثَل همان گروه دوم است؛ آنان، خدا را فراموش کرده‌اند و زنجیرهای دنیا، آنها را در بند کرده است.

پس خدا ما را دوست دارد و از اینرو هنگامی که غافل می‌شویم، ما را دچار بلا می‌کند تا از خواب غفلت بیدار شویم.

ج. شبیه‌شدن به امامان و...

ما بیش‌تر اوقات «اسوه‌بودن» اهل بیت علیهم‌السلام را در قالب فضایی چون: اخلاص، ساده‌زیستی، تواضع، نماز اوّل وقت و... معنا کرده‌ایم. اکنون، نوبت آن رسیده است تا از این فضا استفاده و از بلا و گرفتاری به عنوان یکی از راههای شبیه‌شدن به آن بزرگواران یاد کنیم. نوجوانی که تا به حال، خوشبختی را در کسب صفاتی

خداوند، خیر و صلاح بنده را می‌خواهد و دوست ندارد بندگان‌ش گمراه شوند و راه اطاعت و بندگی دنیا و شیاطین دنیوی را پیش بگیرند؛ برای همین، آنان را در معرض مصیبت قرار داده است تا از این راه به خود بیایند و راه صحیح زندگی را بیابند و در مسیر اطاعت خداوند موفق‌تر باشند.

برای ملموس‌تر شدن مسئله غفلت، از این تمثیل حقیقی می‌توان بهره برد که «قسمت افراد گمشده در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام، دو اتاق جدا از هم دارد:

در یکی از اتاقها افرادی هستند که می‌فهمند گم شده‌اند. آنها گریه و بی‌تابی می‌کنند، منتظر خانواده‌شان هستند، وقتی خادم حرم، جای یا... به آنان تعارف می‌کند بر نمی‌دارند و ناراحت هستند؛ چون می‌دانند و می‌فهمند که گم شده‌اند، برای همین از حال خود غافل نمی‌شوند.

اما در اتاق دیگر، کسانی هستند که نمی‌فهمند گم شده‌اند. آنها روی زمین نشسته‌اند و با اسباب‌بازی و خوراکیهای مختلف سرگرم هستند،

گرفتاریهای مالی، بیماریها، از دست دادن فرزندان و... می تواند به فهم این فلسفه کمک کند.

وقتی مربی، نمونه‌هایی را از زندگی معصومان بیاورد و با زندگی روزمره نوجوان تطبیق دهد، او به این واقعیت دست می یابد که نوکری ایشان و دوستدار آنان بودن، تنها با گریستن در مصائبشان و لباس مشکی پوشیدن محقق نمی شود؛ بلکه صبر در مشکلات، از برترین و مهم ترین مصادیق نوکری اهل بیت علیهم السلام است.

علت ابتلاء به رنجها و مشکلات

با بررسی آیات و روایات در می یابیم مشکلاتی که به وجود می آید، می تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. در این بخش با بررسی عوامل مشکلات و گرفتاریها متناسب با فهم

چون: راستگویی، احترام به والدین و... می دیده است، اکنون می آموزد که خدا از رهگذر گرفتاریهای زندگی، قصد دارد ما را یک گام دیگر به پیشوایان دینی مان نزدیک کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءَ الْإِنْبِيَاءِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُوتُهُمْ ثُمَّ الْأَمْتَلُ فَإِلَّا مَثَلٌ؛^۱ بیشترین بلاها را در میان مردم، پیامبران داشته اند، بعد کسانی که نزدیک تر به آنان هستند و بعد هر که به پیامبران شبیه تر باشد. [به میزان شباهت به آنان، از بلای بیش تری بهره مند خواهد شد.]»

مردی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و گفت: «به خدا سوگند! من شما خاندان را دوست دارم.» امام فرمود: «پس جامه بلا بر تن کن؛ زیرا سوگند به خدا که بلا به سوی ما و پیروان ما شتابنده تر می آید تا حرکت سیلاب در دره. بلا از ما آغاز می شود و سپس به شما می رسد و آسایش نیز از ما شروع می شود و سپس به شما می رسد.»^۲

بیان ناگواریهایی که در زندگی اهل بیت علیهم السلام وجود داشته است؛^۳ نظیر: نامردی مردمان دورانشان،

۱. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۰۰، ح ۳.

۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۳۳۷۹.

۳. توجه دادن نوجوانان به این مسئله نیز لازم است که، اهل بیت و پیامبران علیهم السلام خزانة داران عالم بوده و هستند. آنان خود طیب همه دردهای بشرند؛ ولی وجود گرفتاری، فقر، بیماری و... در طول حیات دنیوی شان، برای انتقال سیره و چگونگی برخورد صحیح آنان، به نسلهای بعد و انسانهای آزاده است.

نوجوانان، در صدد بررسی برخی از این موارد و مصادیق برمی آیم.

الف. ارتکاب گناه

مولای متقیان علی علیه السلام، پدیدار شدن هر مانع و ناگواری در زندگی انسان را معلول گناه می داند و می فرماید: «تَوَقُّوا الذُّنُوبَ فَمَا بَلِيَّةٌ أَشَدُّ وَأَفْظَعُ مِنْهَا وَلَا يَحْرُمُ الرِّزْقُ إِلَّا بِذَنْبٍ حَتَّى الْخَذِشِ وَالنُّكْبَةِ وَالْمُصِيبَةِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»^۱ از گناهان دوری کنید که هیچ بلایی شدیدتر و زشت تر از آن نیست و رزق باز داشته نمی شود، مگر به دلیل انجام گناهی، حتی در حد ایجاد خراش و جراحت و ناراحتی [در دیگران]؛ چرا که خداوند فرمود: هر مصیبتی که به شما رسد، به سبب اعمالی است که انجام داده اید و بسیاری را نیز عفو می کند.»

کم شدن روزی، مرگ زودرس، بلاهای کم سابقه، خشکسالی و... از جمله اموری هستند که به سبب نافرمانی خدا به انسان می رسد.^۲ اکنون به نمونه هایی از گناهان رایج در بین نوجوانان اشاره می کنیم:

بی توجهی به محرم و نامحرم

رعایت نکردن پوشش ظاهری و بی توجهی به محرم و نامحرم از سوی برخی نوجوانان دختر، یکی از گناهان رایج است، از راههای زیر می توان برای جلوگیری نوجوانان از ارتکاب گناه استفاده کرد:

۱. بیان رابطه این نوع گناه با پیشامدهای ناگوار در دنیا.
برخی از این رویدادها عبارت اند از:^۳ به هم خوردن تعادل روحی و روانی و به وجود آمدن عوارضی مانند: افسردگی، گوشه گیری، پرخاشگری و...، بی اعتمادی خانواده و اطرافیان به وی، عدم اطمینان به همسر آینده خود و در نتیجه، بروز ناهنجاریهایی مثل: بدبینی و عدم لذت در زندگی شخصی و....

۱. مکارم الاخلاق، طبرسی، بی جا، منشورات الشریف الرضی، ششم، ۱۳۲۹ ق، ص ۱۴۷.
۲. مراجعه شود به میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۵ به بعد باب گناه (الذنب).
۳. نگارنده در تحقیق میدانی که از ۵۰ دختر دبیرستانی در مدارس چند شهر کشور داشت، این نتایج و آثار را از زبان آنها شنیده است. آنها به صورت مکتوب این آثار را نوشته و راهکار، طلب کرده اند.

عبارت‌اند از: اندوهگین کردن آنها، زمينه عصبانیت ایشان را فراهم آوردن، خیره نگاه کردن به آنها، صدا کردن پدر و مادر با اسم، جلوتر از آنان راه رفتن، باعث دشنام دادن دیگران به آنها شدن، نافرمانی و....

۳. نقل حوادث و داستانهای واقعی از کسانی که هر چه به دست آوردند از احترام به والدین و هر چه از دست دادند از بی‌احترامی به آنان بوده است.

گناهان و نافرمانیهای دیگری نیز در بین جوانان و نوجوانان رایج است که بیش‌تر محصول تهاجم فرهنگی است؛ مانند: نگاه کردن عکسهای مبتذل، گوش دادن موسیقیهای غیر مجاز، ارتباطهای نامشروع و... که در مجال این نوشتار نیست.

ادامه دارد....

۲. نقل خاطرات واقعی از نوجوانان گرفتار در این دام.
بی‌احترامی به والدین

برای بیدار سازی نوجوانان نسبت به این گناه، می‌توان کارهای زیر را انجام داد:

۱. بیان آثار احترام به والدین و عواقب دنیوی بی‌احترامی به ایشان^۱.

برخی از آثار احترام به والدین عبارت‌اند از: آمرزش گناهان، عمر طولانی، افزایش روزی، موفقیت‌های زندگی و پیشرفت و... البته آثار دیگری هم ذکر شده است؛ ولی ما بیش‌تر باید در صدد بیان آثاری باشیم که نوجوان، آنها را دنبال می‌کند.

برخی از آثار بی‌احترامی به پدر و مادر: انتقام خدا در همین دنیا، تیره و تار شدن فضای زندگی، فقر، ذلت و خواری و....

۲. بیان مصادیق بی‌احترامی به پدر و مادر.^۲

برخی از مصادیق بی‌احترامی

۱. ر.ک: میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۴۷۴، باب پدر و فرزند.
۲. همان.